

در گفتگو با عماد حسینی، کارگردان «استاد» مطرح شد

چالش‌های آشتی با سینمای اجتماعی

نهاروزبه

«استاد» اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند سینمایی عماد حسینی است که از یازدهم مهرماه در سینماهای سراسر کشور، اکران شده است. حسینی در این فیلم ورودی جسورانه به یکی از ملتهب‌ترین سوژه‌های اجتماعی سال‌های اخیر داشته است. در شرایطی که سالن‌های سینمایی کشور در چنبره آثار کم‌دی است، حمایت از فیلمهایی همچون استاد می‌تواند جان تازه‌ای به سالن‌های سینما بدهد و فرصتی دوباره برای بازگشت مخاطبان اصلی سینمای اجتماعی فراهم کند. با توجه به اینکه فیلم سینمایی «استاد» روی مسئله‌ای حساسیت برانگیز و چالشی دست گذاشته، نمایش آن در موقعیت مختلف مکانی و علمی هم می‌تواند زمینه‌ساز گفتگوهای جدی باشد. به طور طبیعی این جنس سینما، شیوه بخش و تبلیغاتی متناسب با خودش را می‌طلبد و موسسه بهمن سبز به عنوان پخش کننده این فیلم باید شیوه‌های متناسب با یک اثر اجتماعی را برای این فیلم احیا کند. با عماد حسینی در این باره گفتگو کردیم و اینکه جایگاه فیلم‌های سینمایی همچون استاد در پخش و اکران چه باید باشد؟

فیلم‌های اجتماعی از گونه‌های محبوب مخاطبان سینما در سال‌های نه چندان دور سینمای ایران بود. بخش تبلیغات و معرفی فیلم چه باید بکند تا این جنس سینما در معرض اقبال عمومی قرار گیرد؟

طبعاً ریشه خلق هر اثر اجتماعی، نوعی باز تولید شکاف اجتماعی ایجاد شده در یک جامعه است. این باز تولید، گاهی رویکرد منفعلانه دارد و گاهی بازدارنده. اما در نهایت با یک هدف یکسان به تولید هر اثر هنری خواهد پرداخت. بنابراین شاید بهترین برخورد تبلیغاتی با هر اثر اجتماعی، واکاوی معضلی باشد که اثر روی آن ایستاده و برای باز نمودن آن تلاش می‌کند. بدیهی است که نگاه خلاقانه‌ی اثر در همه ابعاد، یا تلاش آن برای مفرح کردن موقعیت خود نقش موثری دارد. اما آگاهی مخاطب و فهم او از علت‌العلل تولید فیلم یا هر اثر اجتماعی دیگر، قطعا در انتخاب آن سوی تماشاگر بی‌تأثیر نخواهد بود.

برخی معتقدند دوره سینمای اجتماعی گذشته و باید سهم سینمای سرگرمی در اکران بیشتر باشد. غلبه این نگاه باعث شده که مخاطبان امروز سینما هم محدود شوند و به تدریج سالن سینما در برگیری خود را از دست بدهد. به نظر شما در حوزه پخش فیلم چه باید کرد که مخاطبان جدی سینمای اجتماعی به سالن سینما بازگردند؟

در این مورد دو وجه وجود دارد. یکی رویکرد کلی سیاست‌گذاری نظام سینماست که با نگاه حمایتی، نباید تنها تلاش کند مخاطب به هر دلیل به سینما کشیده شود. وقتی چندین سال ذائقه‌ی مخاطب به آثاری سطحی یا کم‌دی‌های بدون عمق و ریشه عادت می‌کند، سخت است که تصور شود می‌توان این ذائقه را در کوتاه مدت برای بازگشت به ریشه‌های اجتماعی جدی ترغیب و تربیت کرد. ریشه موفقیت سینمای اجتماعی در دهه‌های گذشته، یکجور پیوستگی مدام است که به تدریج بار می‌دهد اما در سال‌های گذشته این گسست ایجاد شده و طبعاً در فضایی که مخاطب به راحتی به سینمای جهان دسترسی دارد، زمان طولانی برای آشتی او با سینمای اجتماعی جامعه‌ی خودمان صرف خواهد شد. و این بدون در نظر گرفتن حمایت ارگان‌های مختلف، اعم از صدا و سیما و شهرداری‌ها و موسسات فرهنگی و سینمادارها و... امکان‌پذیر نیست. وجه دوم به طبع به خود محصول برمی‌گردد که از چه نقطه‌ی زخمی در جامعه، چه برداشت و چه بازنمایی را بیرون کشیده است. یقیناً هر چه این درد ریشه‌دارتر باشد یا در بردار زمان و مکانی یک جامعه، اهمیت بیشتری داشته باشد، به جذب مخاطب روز کمک خواهد کرد.

به لحاظ کارگردانی، استاد چه تفاوتی با کارهای اجتماعی دیگر دارد؟

ما از لحاظ کارگردانی بر خلاف آن چه که در سینمای ایران رایج است تمام دکوپاژ و جزئیات کارگردانی و میزانشن‌های مان‌را از قبل طراحی کردیم. شیوه کارگردانی که در حین کار به آن توجه کرده‌ام مبتنی است بر میزانشن‌های طولانی است که قدری از سینمای تجاری و متداول ایران و جهان فاصله دارد. دست‌کم در ایران کم‌تر تجربه شده است. بنابراین از لحاظ کارگردانی شیوه‌ی جدی‌ر آمبنای کارم قرار دادم. امیدوارم در کارهای بعدی ام‌همین شیوه را بتوانم پخته‌تر به مخاطب عرضه کنم.

